

نگاهی قرآنی به کارکرد نظارتی خانواده

هاجر خادمزاده یگانه^۱

چکیده

یکی از کارکردهای مهم و مؤثر خانواده در فرایند تربیت فرزندان، کارکرد نظارتی آن است. اجرایی کردن و کاربست این کارکرد، نیازمند راهکارهای مختلفی است. این نوشتار درصدد است با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع تفسیری و تربیتی به بررسی راهکارهایی که قرآن برای نظارت در خانواده بیان کرده است، بپردازد. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که نظارت بر اعضای خانواده می‌تواند به دو طریق بیرونی و درونی صورت گیرد. در نظارت بیرونی انگیزه افراد از انجام صحیح امور، نوعی ترس از مجازات یا علاقه‌مندی به پاداش و تشویق است، اما در نظارت درونی حالتی در درون افراد، آن‌ها را به انجام صحیح امور وادار می‌کند. با توجه به نگاه قرآن به مسئله نظارت خانواده، اگر هر دو نوع نظارت از سوی والدین در خانواده انجام گیرد؛ خانواده در کارکرد نظارتی خود، موفق بوده است. واژگان کلیدی: کارکرد، نظارت، تربیت، خانواده، قرآن.

مقدمه

با توجه به آیات قرآن یکی از مهم‌ترین کارکردهای خانواده، نقش اساسی نظارتی آن در پیشگیری از انحرافات اجتماعی و در نتیجه نجات خانواده از آتش جهنم است؛ چنانکه خداوند در آیه ۶ سوره تحریم فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خودتان و کسان‌تان را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگ‌هاست، حفظ کنید...»^۱.

بحث کارکرد نظارتی خانواده از نگاه قرآن در دنیای معاصر اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا با حضور بیشتر والدین در محیط کار و حضور کمتر در خانواده و نیز کم‌رنگ شدن نقش نظارتی آن‌ها، زمینه بروز انحراف بیش از پیش فرزندان فراهم می‌شود. از این‌رو می‌توان با به کار بردن راهکارهای نظارتی مورد قبول اسلام، از پیامدهای ناگوار کم‌رنگ شدن نقش نظارتی خانواده‌ها جلوگیری کرد. حال این سؤال مطرح است که راهکارهای نظارتی مورد قبول اسلام برای پیشگیری از انحرافات فرزندان چیست؟ برای پاسخگویی به این سؤال، ابتدا به بحث مفهوم‌شناسی و ضرورت وجود نظارت در خانواده پرداخته، و سپس مهم‌ترین راهکارهای نظارت درونی و بیرونی خانواده بیان می‌شود.

اگر چه با عنوان کارکرد نظارتی خانواده کتاب و مقاله‌ای نوشته نشده است، اما در لابه‌لای برخی کتاب‌های علوم اجتماعی همچون جامعه‌شناسی کجروی تألیف سلیمی و داوری و نیز برخی کتاب‌های روان‌شناسی همچون روان‌شناسی عمومی (۲) اثر بی‌ریا و دیگران و خانواده موفق: ارتباط والدین و فرزندان نوشته حسین زاده به این موضوع پرداخته شده است. در این کتاب‌ها نیز این موضوع از نظر قرآن بررسی نشده است، اما در پژوهش حاضر به کارکرد نظارتی خانواده از نگاه قرآن پرداخته می‌شود.

مفهوم نظارت

نظارت در لغت به معنای «نظر کردن و نگریستن به چیزی»، «مراقبت و در تحت نظر و دیده‌بانی داشتن کاری» و «حراست» آمده است و نظارت داشتن، به معنای مراقب بودن و ناظر بودن است (دهخدا، ۱۳۷۱، ج ۴۶، ص ۵۸۷). در اصطلاح نیز عبارت است از تحت نظر

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ».

قرار دادن فعالیت‌های برخی افراد یا گروه‌ها برای تضمین رفتار تمکین‌کننده و یا فعالیتی که موجب تطبیق عملیات با برنامه می‌شود و یا به عبارت دیگر نظام را در زمینه هدف‌های مورد نظر از انحراف حفظ می‌کند (شایان مهر، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵۲۸).

از آنجا که واژه نظارت با واژه کنترل مترادف است، تعریف واژه کنترل نیز ضروری است. کنترل در لغت به معنای «بازرسی»، «تفتیش»، «مراقبت نسبت به اجرای امری» (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۱، ص ۱۶۴۱۵)، «مهار» و «سلطه» و «نظارت» (میرساردو، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۲۰) است و در اصطلاح نیز تعاریف متعددی از آن ارائه شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. کنترل به معنای توان اعمال قدرت، هدایت یا بازداشتن اعمال دیگران است (داوری و سلیمی، ۱۳۸۰، ص ۵۸۱).

۲. کنترل، فرایند هدایت گروهی از متغیرها برای حصول اهداف کلی است (قدسی، ۱۳۹۰، ص ۴۲).

۳. کنترل یعنی بازدید و مراقبت از طرز پیشرفت اجرای عملیات در مقایسه با وضع مطلوب و به دنبال آن تغییر عملیات به منظور جلوگیری از انحراف در تحقق اهداف پیش‌بینی شده سازمان است (همان، ص ۴۵).

با توجه به تعاریف بیان شده، نظارت خانواده را می‌توان چنین تعریف کرد: «توان اعمال قدرت و مراقبت از اعمال اعضای خانواده و هدایت آن‌ها برای جلوگیری از انحراف در تحقق اهداف پیش‌بینی شده».

نظارت خانواده به دو صورت بیرونی و درونی انجام می‌گیرد (داوری و سلیمی، ۱۳۸۰، ص ۵۴۰). نظارت بیرونی به معنای اتخاذ روش‌هایی است که ارتکاب جرم در اعضای خانواده و نیز تمایل آن‌ها به ارتکاب جرم و کجروی را کاهش می‌دهد یا از بین می‌برد. در واقع نظارت بیرونی، به نوعی نظارت مستقیم اشاره دارد که افراد از فرایند آن آگاه هستند و انگیزه آن‌ها از انجام صحیح امور، نوعی ترس از مجازات یا علاقه‌مندی به پاداش و تشویق است (همان، ص ۶۷۰). نظارت درونی نیز به نظارتی گفته می‌شود که آدمی بدون اینکه از خارج تحت نظارت باشد، به ارزیابی رفتارهایش می‌پردازد و به صورت خودآگاه از رفتارهای انحرافی و بزهکارانه دوری

می‌کند (همان، ص ۶۶۰)؛ زیرا ارزش‌ها و هنجارهای مطلوب توسط والدین در وجودشان درونی شده است. فرزندان با رجوع به این ارزش‌ها در موقعیت‌های مختلف، ناظر اعمال و رفتار خویش هستند و نیازی به امر و نهی و تذکرات والدین ندارند.

از دو نوع نظارت درونی و بیرونی، نظارت درونی در نگاه اسلام دارای ارج و منزلت بالایی است؛ چنانکه امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره فرموده است: «آگاه باشید آن کس که به خویش کمک نکند تا واعظ و مانعی از درون جاننش برای او فراهم گردد، اندرز دیگران در او اثر نخواهد داشت»^۱ (شریف الرضی، ۱۳۷۹، خطبه ۹۰، ص ۷۲). تأکید امام علیه السلام از این روست که انسان باید همواره بر اعمال و رفتار خود نظارت کند، پیش از آنکه دیگران عملکرد او را مورد نظارت و بازبینی قرار دهند. امام سجاد علیه السلام نیز نظارت درونی و خودکنترلی را عامل اصلی حرکت انسان در مسیر صحیح هدایت و تکامل دانسته و فرموده است: «ای فرزند آدم! تو همواره در مسیر خیر قرار خواهی داشت، مادام که موعظه‌کننده‌ای از درون داشته باشی و حسابرسی از خویشت، از کارهای اصلی تو باشد»^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۱۳۷).

ضرورت نظارت در خانواده

جامعه بزرگ انسانی از واحدهای کوچک‌تری شکل می‌گیرد که قدیمی‌ترین و طبیعی‌ترین آن، خانواده است که همگام با دیگر ساختارها در راه رشد و تعالی انسان گام بر می‌دارد. این نهاد مقدس طی قرون متمادی و به‌ویژه در چند قرن اخیر، شکل‌های متفاوتی را تجربه کرده و در فرهنگ‌های گوناگون قالب‌های مختلفی را به خود گرفته است. با این وجود، خانواده در شکل‌های مختلف همواره کارکردهای مهمی را دارا بوده است. یکی از مهم‌ترین کارکردهای آن، کارکرد نظارتی است؛ زیرا اگر این کارکرد با سبک صحیح و برنامه‌های مناسب انجام شود، می‌تواند موجب سازندگی و بالندگی اعضای خانواده شود و عاملی بازدارنده از بروز آسیب‌های اجتماعی به شمار آید. در مقابل، بی‌توجهی پدر و مادر به ایفای نقش نظارتی خود در برابر فرزندان موجب می‌شود آن‌ها نیز در برابر همدیگر، روحیه‌ای سرد و بی‌توجه

۱. «وَاعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ لَمْ يُعَنْ عَلَى نَفْسِهِ حَتَّى يَكُونَ لَهُ مِنْهَا وَاعِظُ وَ زَاجِرٌ لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنْ غَيْرِهَا لَازِجٌ وَلَا وَاعِظٌ».

۲. «إِنَّ آدَمَ إِنَّكَ لَا تَزَالُ بِخَيْرٍ مَا كَانَ لَكَ وَاعِظُ مِنْ نَفْسِكَ وَمَا كَانَتِ الْمُحَاسَبَةُ مِنْ هَيْكٍ».

را به نمایش بگذارند. چنین افرادی نه تنها در تصمیم‌های یکدیگر مداخله نمی‌کنند؛ بلکه طرف مشورت نیز قرار نمی‌گیرند و حاضر نیستند درباره مسئله‌ای که به یکی از اعضای خانواده مرتبط است، بیندیشند. آن‌ها از مسائل بی‌توجه می‌گذرند و با یکدیگر احساس بیگانگی دارند (حسین‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۷۶؛ بی‌ریا و دیگران، ۱۳۷۵، ص ۸۷۱). بی‌توجهی اعضای خانواده به یکدیگر موجب بروز انواع کجروی‌ها و انحرافات اجتماعی می‌شود؛ به‌ویژه که در عصر حاضر با وجود تنوع ابزار انحرافی در جامعه، بستر انحراف و کجروی افراد بیش از گذشته فراهم است (میرخلیلی، ۱۳۸۸، ص ۳۳۵). بنابراین هرگاه این واحدهای کوچک که نظارت بر آن‌ها آسان‌تر است، اصلاح شود؛ کل جامعه اصلاح می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۲۹۴).

پیشگیری و ممانعت از انحراف از هدف و حصول اطمینان از صحت حرکت همه اعضای خانواده به سمت اهداف تعیین شده فردی و اجتماعی، ضرورت وجود نوعی نظارت در مدیریت خانواده را بیش از پیش روشن می‌کند. به عبارت دیگر محیط خانواده می‌تواند کارآمدترین نظارت را بر اعضای خود اعمال کند؛ زیرا در این محیط با توجه به اندک بودن تعداد اعضا، شکل‌گیری خانواده بر اساس نیاز آنان به پیوندهای گرم و عاطفی، وجود ویژگی‌های صمیمی و چهره به چهره بودن، تماس در مناسبت‌ها و کنش‌های متقابل گروهی و نیز پایداری نسبی گروه، نفوذ شدیدی را بر گرایش‌های اعضای خود اعمال می‌کند (داوری و سلیمی، ۱۳۸۰، ص ۶۵۸ و ۶۵۹). آنچه در این میان از اهمیت بسیاری برخوردار است، پرهیز از سلب آزادی فکر و عمل و تبدیل شدن محیط خانه به زندان تفتیش عقاید و رفتارها در نظارت بر فرزندان است؛ زیرا نتایج شومی را برای فرزندان و جامعه به دنبال دارد. برای مثال فرزندی که به جای صمیمیت و یگانگی، چهره دفاعی به خود می‌گیرد و به دروغ‌گویی عادت می‌کند؛ زیرا ممکن است با بیان واقعیت در معرض داد و بیداد، ناسزا و گاه کتک خوردن قرار گیرد.

سختگیری‌های بیش از اندازه، موجب نابودی نیروی تشخیص فرزندان می‌شود. اگر فرزندان خواسته والدین را کورکورانه انجام دهند، پس از مدتی نیروی ابتکار و شخصیت را از دست می‌دهند و انگیزه تقلید در آن‌ها به حالت افراطی در می‌آید. در این‌گونه نظارت‌ها با از

بین رفتن عوامل قهر و اجبار، حرکات و سکنات فرزندان با سرعت فوق العاده تغییر می‌کند؛ چنانکه گاه فرزندی از خاندان تقوی و فضیلت در اثر محدودیت‌های زیاد، پس از پایان جبر و تهدید خود را به عناد و تباهی می‌افکنند و به‌گونه‌ای در آلودگی‌ها غوطه‌ور می‌شوند که شگفتی همگان را بر می‌انگیزد. اگر رابطه والدین و فرزندان بر اساس تهدید و اجبار باشد، به مرور زمان فاصله آن‌ها از یکدیگر زیادتر می‌شود و به ناچار فرزندان خود را به دامان دیگران می‌اندازند که از جمله نتایج شوم این پناهندگی و عواقب خطرناک آن، فرار فرزندان از خانه است. خداوند درباره خُلق نیکو به پیامبر ﷺ فرموده است: «اگر تندخو و خشمگین بودی، هر آینه از اطراف تو پراکنده می‌شدند» (آل عمران: ۱۵۹). محرومیت و رفتار تند و خشن در روحیه فرزندان اثر می‌گذارد و عقده‌هایی در روان آنان به وجود می‌آورد که پس از گذشت زمان به صورت کینه‌توزی، تندخویی، بدبینی، خشونت و گاه طغیان و سرکشی ظاهر می‌شوند (بی‌ریا و دیگران، ۱۳۷۵، ص ۸۷۴-۸۷۲). این نوع کنترل و نظارت در اسلام به شدت نهی شده است؛ چنانکه پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: «بدترین مردم، آن کسی است که بر خانواده‌اش سخت گیرد»^۲ (طبرانی، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۳۷؛ هیثمی، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۲۵؛ پاینده، ۱۳۸۲، ص ۵۳۹).

نظارت اعضای خانواده بر یکدیگر، نباید مانع استقلال و آزادی فکری یکدیگر شود و باید سازنده و در جهت رشد و تعالی اعضای خانواده باشد. روان‌شناسان این سبک از نظارت را سبک انعطاف‌پذیر می‌نامند که با موقعیت‌های جدیدی که رخ می‌دهد، تغییر می‌کند. این سبک نظارت به انجام وظیفه اعضای خانواده کمک می‌کند؛ زیرا جوهره حمایتی و آموزشی آن، اعضای خانواده را به سوی شراکت و یکی شدن با آرمان‌ها و نقش‌های خانواده سوق می‌دهد (کرمی فریدنی، ۱۳۸۴، ص ۳۴۶).

تأکید قرآن بر کنترل و نظارت خانواده

خانواده از نظر اسلام، یکی از محبوب‌ترین نهادهای اجتماعی است^۳ (نوری، ۱۴۰۷، ج ۱۴، ص ۱۵۳).

۱. «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ».

۲. «شَرُّ النَّاسِ الصَّيْقُ عَلَى أَهْلِهِ».

۳. «ما بنی فی الاسلام بناء احب الی الله عزوجل من التزویج».

قرآن در راستای نظارت خداوند بر اعمال و رفتار بندگان، بخشی از نظارت را متوجه والدین در خانواده دانسته و فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و کسان تان را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگ هاست، حفظ کنید»^۱ (تحریم: ۶). کلمه «قوا»، جمع امر حاضر از مصدر «وقایه» به معنای حفظ کردن چیزی از هر گونه خطری است که به آن صدمه بزند و برایش مضر باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۳۳۴). بنا بر این آیه اگر مردی اعضای خانواده‌اش را به حال خود رها کند، به سوی آتش جهنم پیش می‌رود؛ از این رو هر مردی وظیفه دارد ابتدا خود و به تبع آن، خانواده‌اش را از سقوط در آتش جهنم حفظ کند. از نظر برخی مفسران حفظ خویشتن با انجام واجبات، ترك معاصی، صبر بر طاعات و عدم تسلیم در برابر شهوات سرکش (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۴۷۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص ۲۸۶) و حفظ خانواده با تعلیم و تربیت دینی و دعوت به تقوای الهی، امر به معروف و نهی از منکر، تشویق و ترغیب به کارهای نیک و برحذر داشتن از کارهای بد و الگوی نیکو برای آن‌ها بودن حاصل می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۴۷۷؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج ۵، ص ۲۳۵؛ زحیلی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۲۶۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۲۸۷). بنا بر روایتی هنگامی که این آیه نازل شد، مردی از مؤمنین گریست و گفت: «من از نگهداری نفس خود عاجز بودم، اینک مأمور نگهداری از زن و فرزند خود نیز شده‌ام». رسول خدا ﷺ به او فرمود: «در نگهداری اهل تان همین بس است که خود و زن و بچه‌ات را تعلیم خیر دهی و آنان را ادب نمایی و به ایشان امر کنی، آنچه را که به خودت امر می‌کنی و ایشان را نهی کنی، از آنچه که خودت را نهی می‌کنی»^۲ (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۶۲؛ حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۸، ص ۴۳۷). بنابراین هر مردی به عنوان پدر و هر زنی به عنوان مادر وظیفه دارد گام به گام همراه اعضای خانواده خود باشد و بر اعمال، اخلاق و عقاید آن‌ها نظارت داشته باشد تا محیطی پاک و خالی از هر گونه آلودگی را در فضای خانه و خانواده فراهم کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۲۸۷). مفسرین در تفسیر این آیه راهکارهایی را برای نظارت خانواده بیان کرده‌اند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ».

۲. «فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا قُلْتُ كَيْفَ أَقْبَهُمْ قَالَ تَأْمُرُهُمْ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَتَنْهَاهُمْ عَمَّا نَهَاهُمْ اللَّهُ فَإِنَّ أَطَاعُونَ كُنْتَ قَدْ وَفَيْتَهُمْ وَإِنْ عَصَوْكَ كُنْتَ قَدْ فَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ».

۱. تعلیم و تربیت مهم‌ترین راهکار نظارت بیرونی خانواده

تعلیم و تربیت به معنای فراهم آوردن زمینه برای به فعلیت رساندن امکانات بالقوه در درون هر موجود برای رشد شخصیت و تجلی عزت نفس و تبدیل شدن به يك انسان کامل (امینی، ۱۳۷۵، ص ۳۰)، عامل نیرومند نظارت بیرونی در برابر آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی است. پدر به عنوان سرپرست خانواده و به تبع آن مادر در نقش مربی، باید موانع رشد و شکوفایی خانواده را شناسایی و برطرف کنند و استعدادهای خانواده را که مهم‌ترین آن‌ها ریشه‌دار شدن باورها، ارزش‌ها، محبت، دوستی و حرمت‌گذاری به همدیگر است، به ثمر بنشانند. این امر باید از ابتدای پایه‌گذاری شخصیت کودک شروع شود؛ زیرا بیشترین ارتباط کودک با والدین در این دوره است. این دوره، دوران وابستگی و اعتماد کامل کودک به والدین است و میزان تأثیرپذیری او از پدر و مادر بسیار عمیق و پابرجاست؛ چنانکه امام علی علیه السلام در این باره فرموده است: «آموزش در کودکی، مانند نقش بر روی سنگ است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۲۴). امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: «در آموزش حدیث به فرزندان شتاب کنید، بیش از آنکه منحرفان زودتر از شما به سراغ آن‌ها بروند»^۱ (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۶، ص ۴۷). از این رو افرادی که در کودکی به درستی تربیت نشده‌اند، در بزرگسالی راه صحیح زندگی را نمی‌شناسند و قادر به انطباق خود با هنجارهای جامعه نیستند (هاشمی، ۱۳۸۵، ص ۴۸). علما و دانشمندان برای تربیت فرزندان راهکارهایی را ارائه کرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱-۱. الگو شدن

مهم‌ترین مرحله تربیت، ایجاد نگرش مثبت است. والدین باید برای گرایش اعضای خانواده خود به سوی ارزش‌های الهی در محیط خانه و خانواده، برنامه‌ای ویژه تدارک ببینند و آنان را در دنیای امروز که با انواع تبلیغات رنگارنگ مواجه هستند و در معرض هزاران آسیب قرار دارند؛ واکسینه کنند (مریچی، ۱۳۹۰، ص ۸). این امر زمانی محقق می‌شود که والدین در انتقال ارزش‌ها نقش الگورا بر عهده بگیرند؛ زیرا چشمان ظریف و تیزبین کودک مانند دوربین

۱. «الْعُلْمُ مِنَ الصَّغَرِ كَالنَّفْسِ فِي الْحَجْرِ».

۲. «بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُتْرَجِّئَةُ».

حساس از تمام صحنه‌های زندگی خانواده و به‌ویژه حرکات و رفتار والدین و دیگر اعضای آن فیلمبرداری می‌کند. از لبخندها، زمزمه‌ها و نوازش‌های والدین درس خوش‌بینی، امیدواری، اعتماد و محبت می‌آموزد و به عکس از تندى‌ها، بدرفتاری‌ها و عصبانیت‌های آن‌ها درس تندى و بداخلاقی می‌گیرد.

کودک سخن‌گفتن، آداب معاشرت، رعایت نظم یا بی‌نظمی، امانت‌داری یا خیانت، راست‌گویی یا دروغ‌گویی، خیرخواهی یا بدخواهی را ابتدا در محیط خانه فرا می‌گیرد. اگر پدر و مادر به دستورات دینی اهمیت دهند و اهل عبادت، نماز، دعا، تلاوت قرآن و توجه به معنویات باشند، بی‌شک بر ابعاد روحی و دینی کودک تأثیر می‌گذارند. از همین روست که کودک سه یا چهار ساله هنگام مشاهده نماز والدین، به نماز ترغیب می‌شود و مانند آنان به رکوع و سجده می‌رود. عملکرد فرزندان کوچکی که همراه پدر و مادر به مساجد و حسینیه‌ها می‌روند، در مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام شرکت می‌کنند و خود را مانند پدر و مادر به حالت گریه در می‌آورند، حاکی از تأثیر عملکرد والدین بر رفتار دینی فرزندان است. اظهار این‌گونه رفتارها از کودک، ناشی از تأثیر عمیق رفتار والدین بر جسم و روح اوست که غالباً به ملکه تبدیل می‌شود و تا پایان عمر در او باقی می‌ماند (امینی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۱).

بنابراین اگر والدین رفتارهای مذهبی را برای اعضای خانواده خود می‌پسندند، باید ابتدا خود الگوی عملی آن‌ها باشند. اگر دروغ‌گویی فرزندان را نمی‌پسندند، ابتدا باید خودشان صادق باشند و اگر طالب احترام به بزرگتر هستند، ابتدا باید خودشان به بزرگترها احترام بگذارند؛ چراکه ویژگی‌های مثبت والدین موجب تقویت و در نهایت درونی شدن ارزش‌ها می‌شود؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «هر که خود را پیش‌شوای مردم سازد، باید پیش از تعلیم دیگران به تعلیم خویش بپردازد و باید تربیت کردنش پیش از آنکه با زبانش باشد، با سیرت و رفتارش باشد و آنکه خود را تعلیم دهد و تربیت نماید، شایسته‌تر به تعظیم است از آنکه دیگری را تعلیم دهد و تربیت نماید» (شریف‌الرضی، ۱۳۷۹، حکمت ۷۳، ص ۳۲۷). در واقع درونی شدن ارزش‌ها، نتیجه تمایل فرزندان به ویژگی‌های مثبت والدین است؛ زیرا فرزندان می‌توانند

۱. «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا - [فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْتَدَأَ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ».

تجربیات خوشایند را از طریق شبیه والدین شدن تجربه کنند (شاگری نیا، ۱۳۸۳، ص ۵۰). خداوند درباره تأثیرگذاری رفتار والدین بر اعضای خانواده، اقوام منحرف گذشته را مثال زده است که به خاطر خانواده‌های خود، به دره هولناک رذایل اخلاقی سقوط کرده‌اند: «چون کار زشتی کنند، می‌گویند پدران خود را بر آن یافتیم...» (اعراف: ۲۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۱۴۰).

بنابراین اگر والدین بتوانند در انتقال ارزش‌های الهی نقش بهترین الگو را ایفا کنند، این ارزش‌ها درون فرزندان نهادینه می‌شود و در نتیجه فرزندان با رجوع به این ارزش‌ها در موقعیت‌های مختلف، خود ناظر اعمال و رفتار خویش خواهند بود، بی‌آنکه از جانب والدین امر و نهی صورت گیرد.

۱-۲. امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف به معنای دستور به انجام کارهای پسندیده، خوب و مشروع و اطاعت خدا به صورت گفتاری و رفتاری و نهی از منکر به معنای منع از کارهای زشت و گناه به شکل گفتاری و عملی است (حریری، ۱۳۸۴، ص ۶۲). امر به معروف و نهی از منکر، یکی از ابزارهای نظارت بیرونی و امری ضروری در خانواده است (میرخلیلی، ۱۳۸۸، ص ۵۸)؛ چنانکه پیامبر ﷺ در آیه ۱۳۲ سوره طه و ۵۹ سوره احزاب، از جانب خداوند مأمور شد خانواده خود را به نماز^۲ و رعایت حجاب^۳ دعوت کند. پدر نیز به عنوان سرپرست خانواده، وظیفه اجرای آن را بر عهده دارد و تک تک اعضای خانواده بنا بر گفته خداوند: «و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و می‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند»^۴ (توبه: ۷۱) وظیفه اجرای آن را در محیط خانواده بر عهده دارند.

اگر اعضای خانواده یکدیگر را به انجام نماز، روزه، امانتداری، درستکاری و... سفارش کنند و از کار زشت بازدارند، ابتدایی‌ترین اثر مستقیم و مثبت روانی آن، اهمیت قائل شدن برای این واجبات خواهد بود (مسعودی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۵). افزون بر اینکه معروف ابهت می‌یابد و منکر امری قبیح جلوه می‌کند و در نتیجه گرایش به معروف زیاد و روی آوردن به منکر اندک

۱. «إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا».

۲. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ...».

۳. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَكْرَاهُكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ».

۴. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ».

خواهد شد (همان، ص ۱۸۲). در واقع انجام امر به معروف و نهی از منکر با روش‌های صحیح، سد محکمی در برابر ناهنجاری‌ها و جرایم است و موجب تشویق نیکوکاران، آگاه کردن افراد جاهل، هشدار برای جلوگیری از خلاف و نیز برپایی و استحکام ارزش‌ها می‌گردد (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۹، ص ۲۱۴). در مقابل اگر با روش‌های نامناسب صورت گیرد و یا ترک شود، ممکن است منجر به گسترش منکر، تعطیل شدن معروف و نیز منجر به جرم‌زایی شود (مسعودی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۲)؛ چنانکه خداوند فرموده است: «اگر خداوند برخی از مردم به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، قطعاً زمین تباہ می‌گردید»^۱ (بقره: ۲۵۱). بنا بر این آیه اگر بعضی مردم جلوی فساد بعضی دیگر را نگیرند، زمین به فساد کشیده می‌شود و منظور از فساد زمین، فساد جامعه انسانی است که با امر به معروف و نهی از منکر می‌توان جلوی فساد در جامعه از جمله خانواده را گرفت و از این طریق هنجارشکنی‌های اجتماعی را ابتدا در خانواده نظارت کرد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۹۵؛ میرخلیلی، ۱۳۸۸، ص ۳۲۲).

امر به معروف و نهی از منکر در صورتی کارکرد واقعی خود را خواهد داشت که با رعایت تمام مراتب و شرایط اجرا شود و نخستین مرتبه آن، انکار با قلب است؛ یعنی زمانی که فردی گناه و انحرافی را در یکی از اعضای خانواده خود مشاهده می‌کند، در دل خود از آن عمل احساس ناراحتی کند و اگر آن عمل ادامه پیدا کرد، به زبانی نرم فرد را ارشاد کند؛ چنانکه خداوند به حضرت موسی علیه السلام و هارون علیه السلام دستور داد نزد فرعون روند و او را امر به معروف کنند و به نرمی با او سخن بگویند: «به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته و با او سخنی نرم گویند شاید که پند بپذیرد یا بترسد»^۲ (طه: ۴۳ و ۴۴). همچنین خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «اگر تندخو و سنگ‌دل بودی، از اطرافت پراکنده می‌شدند»^۳ (آل عمران: ۱۵۹). اگر تذکر با زبانی نرم اثر نداشت، سپس نوبت به اعمال قدرت می‌رسد؛ چنانکه خداوند نیز در قرآن کریم در برخورد با زنانی که گرفتار عمل زشت نشوز و کوتاهی در انجام وظایف زناشویی می‌شوند، به این مراتب اشاره کرده است (مسعودی، ۱۳۷۸، ص ۲۶۲-۲۶۰).

۱. «لَوْلَا دَفَعَ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ».

۲. «ادْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ * فَقُولَا لَهُ قَوْلًا نَّيِّبًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ».

۳. «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ».

۳-۱. تشویق و تنبیه

تشویق و ترغیب فرزندان به کارهای نیک و برحذر داشتن از کارهای بد، یکی دیگر از راهکارهای نظارت بیرونی از سوی خانواده است. هنگامی که فرزند رفتاری صحیح و متفاوت با رفتارهای نامطلوب پیشین انجام می‌دهد، می‌توان با تشویق آن رفتار نظری را به رفتار مطلوب جلب کرد و به‌گونه‌ای آزادانه و غیر تحمیلی، او را به سوی رفتار مطلوب برانگیخت (حسین‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۷۰). گاهی يك جمله تشویق‌آمیز چنان تأثیر عمیقی در روحیه افراد می‌گذارد که غیر قابل توصیف است. با تشویق می‌توان بهترین استعداد های انسانی را آشکار کرد. تشویق موجب تکرار بیشتر رفتار می‌شود. زمانی که فردی مورد تشویق قرار می‌گیرد، احساس عزت نفس می‌کند که نتیجه این احساس، دور شدن از اعمال ناپسند است (مشکانی، ۱۳۸۱، ص ۲۳).

قرآن کریم نیز از روش تشویق برای تحریک انسان به رفتار نیک و بازداري از رفتار ناپسند، به صورت گسترده استفاده کرده است. تمام آیاتی که از بهشت و نعمت‌های مادی و معنوی سخن گفته‌اند، شاهدهی بر این مدعا است؛ از جمله آیه ۷ سوره حدید بهره‌مندی از پاداش بزرگ الهی را اجر کسانی می‌داند که از دستور الهی پیروی کنند و رفتار مطلوب و مورد نظر خدا را انجام دهند: «به خدا و پیامبر او ایمان آورید و از آنچه شما را جانشین آن کرده است، انفاق کنید؛ پس کسانی از شما که ایمان آورده و انفاق کرده باشند، پاداش بزرگی دارند»^۱. همچنین خداوند به تنبیه بدکاران اشاره کرده و فرموده است: «و هر کس بدی به میان آورد، به رو در آتش [دوزخ] سرنگون شوند. آیا جز آنچه می‌کردید، سزا داده می‌شوید؟»^۲ (نمل: ۹۰). در آیه ۱۴۷ انعام نیز فرموده است: «عذاب خداوند از گروه مجرمان بازگردانده نخواهد شد»^۳. والدین نیز باید با الگو گرفتن از خداوند، برای کارهای نیک و بد فرزندان پاداش و عقابی متناسب با عمل‌شان در نظر بگیرند.

تشویق هنگامی می‌تواند مؤثر واقع شود که خود عمل نیک نیز تحسین شود. تشویق

۱. «أَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفَقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ».

۲. «وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ».

۳. «وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ».

باید با سنّ فرزند، نیازها، شرایط و موقعیت (مکانی، شخصی، روانی و ...) وی تناسب داشته باشد (امینی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۲) و نباید بیش از اندازه باشد؛ زیرا فرزند را به غرور و بدبینی مبتلا می‌کند (فرهادیان، ۱۳۸۷، ص ۲۶۶). پیشرفت‌های تدریجی نیز باید تشویق شود و نباید تشویق را به پایان کار موقوف کرد؛ بلکه تشویق تدریجی موجب تقویت رفتار نیکو می‌شود و صحت و سلامت عمل را بیشتر تضمین می‌کند (حاجی بابائیان امیری، ۱۳۸۸، ص ۲۸۷).

افزون بر تشویق، در برخی موارد به ناچار می‌توان از تنبیه با هدف آگاه و هوشیار کردن استفاده کرد. تنبیه باید حساب شده و دقیق باشد و از حد و مرز لازم فراتر نرود؛ زیرا عملی طبیعیانه است و نسنجیدگی و بی‌دقتی در آن آثار منفی به همراه دارد. تنبیه باید از چنان ظرافت‌های تربیتی برخوردار باشد که به صورت عاملی بیدارکننده و بازدارنده عمل کند؛ از همین روست که باید حالت‌های تنبیه‌کننده عاری از خشم، غضب، خصومت و انتقام‌جویی باشد (شهرآرای، ۱۳۶۸، ص ۷۴). تنبیه نباید در حضور دیگران انجام شود؛ زیرا موجب شرمندگی تنبیه‌شونده در جمع و تکرار عمل می‌شود. همچنین در استفاده از تنبیه باید تنبیه غیر بدنی را بر تنبیه بدنی ترجیح داد (فرهادیان، ۱۳۸۷، ص ۲۶۳). بنابراین اگر امر به معروف و نهی از منکر و تشویق و تنبیه به عنوان دو ابزار نظارت بیرونی در خانواده‌ها به درستی اجرا شوند، ارتکاب جرم در اعضای خانواده و نیز تمایل آن‌ها به ارتکاب جرم و کجروی کاهش می‌یابد یا از بین می‌رود؛ زیرا با اجرای درست امر به معروف و نهی از منکر، معروف ابهت می‌یابد و منکر قبیح می‌شود و در نتیجه گرایش به معروف زیاد و روی آوردن به منکر کاهش می‌یابد. زمانی که فرزند به خاطر اعمال شایسته تشویق می‌شود، احساس کرامت می‌کند که نتیجه آن، دور شدن از اعمال ناپسند است. تنبیه به خاطر اعمال ناشایست نیز در صورتی که کاملاً سنجیده باشد، همین نتیجه را به دنبال دارد.

۲. نظارت درونی بهترین نوع نظارت

نظارت درونی که از نظارت بیرونی نشأت گرفته است، از نظر روان‌شناسان و جامعه‌شناسان بهترین نوع نظارت است؛ زیرا والدین نمی‌توانند در همه جا و همه وقت

ناظر اعمال فرزندان شان باشند و در موقع لزوم به آن‌ها تذکر دهند و امر و نهی کنند. اگر فرزندان ارزش‌های مطلوب را به خوبی فرا گرفته باشند و این ارزش‌ها در آن‌ها درونی شده باشد، نیاز کمتری به حضور و نظارت دائمی والدین خواهند داشت. افراد دارای منبع نظارت درونی معتقدند رویدادهای مثبت زندگی در نتیجه برنامه‌ریزی دقیق و کوشش مستمر خود آن‌ها به دست می‌آید. بنابراین مسئولیت هر گونه عمل و رفتار خود و پیامدهای ناشی از آن را می‌پذیرند. برای مثال دانش‌آموزی که دیر به کلاس می‌رسد، علت آن را دیر خارج شدن از خانه می‌داند، نه عوامل بیرونی. این در حالی است که افراد دارای منبع نظارت بیرونی، میان رفتار خود و رویدادها هیچ‌گونه رابطه علت و معلولی نمی‌بینند و بخت و اقبال، تصادف یا اشخاص دیگر را مسئول نتایج رفتار خود می‌دانند و در نتیجه خود را مسبب این علت‌ها نمی‌دانند و مسئولیت را نمی‌پذیرند (حسین‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۲۲۰).

نظارت درونی موجب می‌شود فرزندان برای مقابله با رویدادهای تنش‌زای زندگی، از شیوه مسئله‌گشایی استفاده کنند و کمتر آن رویدادها را تهدیدکننده بشمارند؛ زیرا از مهارت‌های مقابله‌ای برخوردارند. در مقابل کسانی که منتظر نظارت‌کننده‌های بیرونی هستند، به دنبال یافتن راه حل نیستند؛ زیرا رویدادها را تهدیدکننده می‌دانند و در برابر آن، واکنش هیجانی یا اجتنابی نشان می‌دهند. فرزندان با نظارت درونی، بیشتر مستقل می‌شوند و در قبال رویدادهای زندگی و سلامت جسم و روان خود، مسئولیت بیشتری را می‌پذیرند (همان، ص ۲۲۱). از آنجا که خداوند در آیه ۶ سوره تحریم به طور مطلق به نقش نظارتی خانواده اشاره کرده است، بنابراین هر دو نوع نظارت از نظر خداوند دارای اهمیت است و شاید بتوان گفت نظارت بیرونی به عنوان مکمل نظارت درونی به شمار می‌آید. به عبارتی نظارت بیرونی در صورتی کارآمد خواهد بود که با نظارت درونی همراه باشد.

نتیجه‌گیری

نظارت بر عملکرد اعضای خانواده، در راستای نظارت الهی بر انسان است که باید به دو طریق درونی و بیرونی و با سبک انعطاف‌پذیر انجام شود. در نظارت بیرونی که با شیوه مستقیم انجام می‌گیرد، انگیزه افراد از انجام صحیح امور نوعی ترس از مجازات یا علاقه‌مندی به پاداش و تشویق است، اما در نظارت درونی ترس از مجازات یا علاقه‌مندی به پاداش و تشویق انگیزه انجام امور نیست؛ بلکه در اثر تعلیم و تربیت صحیح، حالتی درون افراد ایجاد می‌شود که آن‌ها را به انجام صحیح امور وادار می‌کند.

نظارت درونی از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا والدین نمی‌توانند در همه جا و همه وقت ناظر اعمال فرزندان‌شان باشند و در موقع لزوم به آن‌ها تذکر دهند و امر و نهی کنند. اگر فرزندان ارزش‌های مطلوب را به خوبی فرا بگیرند و این ارزش‌ها در وجودشان درونی شود، کمتر به حضور و نظارت دائمی والدین نیاز خواهند داشت. نظارت بیرونی نیز اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا درونی شدن ارزش‌ها بدون امر و نهی والدین، تشویق و تنبیه آن‌ها امکان‌پذیر نیست. بنابراین اگر هر دو نوع نظارت از سوی والدین اعمال شود، خانواده در کارکرد نظارتی خود موفق خواهد بود.

فهرست منابع

فارسی

۱. امینی، ابراهیم، (۱۳۷۵ ش)، آیین تربیت، چاپ ۱۵، تهران: دفتر نشر اسلامی.
۲. _____، (۱۳۸۴ ش)، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران: انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
۳. بی‌ریا، ناصر و دیگران، (۱۳۷۵ ش)، روان‌شناسی رشد (۲) با نگرش به منابع اسلامی، چاپ اول، قم: انتشارات دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
۴. پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲ ش)، نهج الفصاحه، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش.
۵. ثقفی تهرانی، محمد، (۱۳۹۸ ق)، تفسیر روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، چاپ دوم، تهران: برهان.
۶. حاجی بابائیان امیری، محسن، (۱۳۸۸ ش)، روش‌های تربیت اخلاقی کاربردی در اسلام از منظر قرآن و عترت با تأکید بر دوره نوجوانی و جوانی، چاپ اول، تهران: سروش.
۷. حسین‌زاده، محمدعلی، (۱۳۹۰ ش)، خانواده موفق: ارتباط والدین و فرزندان، چاپ اول، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۸. داوری، محمد و علی سلیمی، (۱۳۸۰ ش)، جامعه‌شناسی کجروی، چاپ اول، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۹. شاکری‌نیا، ایرج، (۱۳۸۳ ش)، «تربیت دینی با تأکید بر نقش مهم خانواده»، فصلنامه مصباح، ش ۵۰، ص ۱۷۴-۱۵۵.
۱۰. شایان‌مهر، علیرضا، (۱۳۷۷ ش)، دایرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات کیهان.
۱۱. شریف‌الرضی، محمد بن حسین، (۱۳۷۹)، نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، بی‌جا، قم: مشهور.
۱۲. شهرآرای، مهرناز، (۱۳۶۸)، «تنبیه و شرایط متناسب با آن برای اصلاح رفتار»، فصلنامه تعلیم و تربیت، ش ۲۰، ص ۸۵-۷۳.
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ اول، قم: اسماعیلیان.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو.
۱۵. فرهادیان، رضا، (۱۳۸۷ ش)، والدین و مربیان مسئول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۶. قدسی، مهدیه، (۱۳۹۰ ش)، منبع نظارت در مدیریت آموزشی با تأکید بر دیدگاه امام علی علیه السلام، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۷. قرائتی، محسن، (۱۳۸۳ ش)، تفسیر نور، چاپ اول، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۸. مریجی، شمس‌الله، (۱۳۹۰)، «بررسی نقش خانواده در کاهش انحرافات اجتماعی»، فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، ش ۸، ص ۷۲-۴۹.
۱۹. مسعودی، محمد اسحاق، (۱۳۷۸ ش)، امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن و روایات، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۰. مشکاتی، محمد رضا و زهرا مشکاتی، (۱۳۸۱)، «سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری

- نوجوانان»، فصلنامه جامعه‌شناسی ایران، ش ۱۴، ص ۲۵-۳.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۴ ش)، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. میرخلیلی، محمود، (۱۳۸۸ ش)، پیشگیری وضعی از بزهکاری با نگاهی به سیاست جنایی اسلام، چاپ اول، بی‌جا: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۳. میرساردو، طاهره، (۱۳۷۹ ش)، فرهنگ جامع جامعه‌شناسی انگلیسی - فارسی، چاپ اول، تهران: سروش.
۲۴. هاشمی، حسین، (۱۳۸۵)، «قرآن و کارکردهای نهاد خانواده»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ش ۴۸، ص ۱۰۶-۷۸.

عربی

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ ق)، وسائل الشیعه، بیروت: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحياء التراث.
۲. زحیلی، وهبه بن مصطفی، (۱۴۲۲ ق)، تفسیر الوسیط، چاپ اول، سوریه: دار الفکر.
۳. طبرانی، سلیمان بن احمد، (بی‌تا)، المعجم الأوسط، بی‌جا، قاهره: دارالحرمین.
۴. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۷ ش)، الکافی، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق)، بحارالانوار، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۶. نوری، حسین بن محمدتقی، (۱۴۰۷ ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بی‌جا، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحياء التراث.
۷. هیثمی، علی بن ابی‌بکر، (۱۴۰۸ ق)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت: دارالکتب العلمیه.